ستون پشت‌بوم

ونیز؛ بازی تازه دلواپسی

حسین عبدالهاشم‌پور

● **غیرمنتظره بود:** هجوم همه‌جانبه رسانه‌های دلواپسان به حضور هنر ایران در بی‌ینال ونیز؛ اما کاملا تکراری و کلیشه‌ای. روح و محتوای این حملات مثل همیشه تناسبی با هنر ندارد و اتهام‌زنی و حاشیه‌سازی صرف است:

۱- فلان هنرمند ضدانقلاب است، آن یکی ضددین؛ هنرمندانی که همشهریان و همسایه دیواربه‌دیوار من و شمایند و با افتخار زیر پرچم ایران در قلب اروپا، گوشه‌هایی از توانمندی‌های هنر معاصر کشورمان را عرضه کرده‌اند. گویا چنین اتمسفرهایی فقط زمانی که دولت و هنرمندان با هم آشتی‌اند، به کار می‌افتد و برای دفع حداکثری و جذب حداقلی، از هیچ ترفندی هم مضایقه نمی‌کند؛ به‌هرحال هرکس هنری دارد.

۲- عشق به وطن تاریخ‌مصرف ندارد، مرز هم ندارد، مردمان هر سرزمینی برای خاک و آیین و فرهنگ‌شان جان می‌دهند؛ پول که پیشکش؛ با وجود علم به چنین مؤلفه‌ای جهانی، اینکه ایرانیان برای حفظ و اشاعه فرهنگ و ارزش‌های خود جان‌ها داده‌اند و امروز هم کسانی هستند که برای معرفی این فرهنگ، پول پرداخت می‌کنند، گزاره غیرقابل‌باور است؟ بخش خصوصی که غرفه دوهزار متری برای معرفی هنر ایران در بی‌ینال ونیز تدارک دیده، قصاص قبل از جنایت می‌شود: «لابد صرفه‌ای نامشروع می‌برد وگرنه چرا باید چنین کاری کند؟!».شاید از همین‌روست هنرمندانی که عمر خود را گذاشته و موی در راه اعتلای هنر ایران سپید کرده‌اند، هنوز باید در آزمون وفاداری قبول شوند. یا شاید مثلا باید در انتظار مؤاخذه شهرداری تهران بود که با چه قصد سوئی به جای پاروکردن پول، ۱۰ روز تبلیغات محیطی شهری خود را به اکران نقاشی اختصاص داده است... .

۳- اولین اصل نانوشته دلواپسان، عدم اعتماد به گفته‌های مقامات دولتی است. نمونه بارز این رفتار که توجه جامعه را به خود جلب کرد، عدم باور گفته‌های تیم مذاکرات هسته‌ای ایران است، حتی تذکر مقام معظم رهبری در دیدار با مداحان در ضرورت اعتماد به مسئولان ایرانی هم افاقه نکرده است؛ همین رویه در بی‌ینال ونیز هم با وجود تأکیدات مکرر وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی بر صحت و سلامت آثار ارائه‌شده در ونیز، قابل رصد است.

۴- اتهام انتخاب هنرمندان با هدف افزایش قدرت فروش آثارشان هم از آن‌جور حرف‌هاست تا میان هنرمندان حاضر و غایب تفرقه افتد؛ کافی است رصد شود هنرمندانی که در شش دوره گذشته به بی‌ینال رفته‌اند، چه موقعیت ویژه‌ای به سبب این حضور، در مارکت هنری یافته‌اند که حالا همه انگیزه، اعزام گروه تازه باشد؟

۵- مثبت‌ترین نکته هفتمین حضور ایران در ونیز، حضور یک کیوریتور خارجی آگاه است؛ که عجیب است به این یکی هم خرده می‌گیرند؛ یکی از روزآمدترین راهکارهای باز معرفی هنر ایران به دنیا بعد از وقفه‌ای ۱۰ ساله، همین کیوریتوری یک هنرشناس بین‌المللی است؛ به‌حتم کسی نمی‌گوید انتخاب‌های او صددرصد درست است، اما روزی باید باب چنین راهی باز می‌شد؛ چه بهتر که در بی‌ینال ونیز با یک چهره شناخته‌شده ایتالیایی، که حتی برای نفع خودش هم شده تلاش خواهد کرد، این نمایشگاه به‌خوبی دیده شود، حاضر شده‌ایم؛ جالب اینجاست که بسیاری کشورها از همین منظر، کیوریتور خارجی و به‌خصوص ایتالیایی استخدام می‌کنند تا اعتبار و اقبال افزون‌تری به غرفه‌شان ببخشند.

۶-بین خودمان هم باشد انسجامی که باید، میان هنرمندان تجسمی وجود ندارد؛ آن حمیتی که اهالی سینما دارند و حمایت‌هایشان از خانه سینما، اعتراض جمعی به عدم اکران فیلم‌ها... همیشه راهگشاست، در تجسمی دیده نمی‌شود؛ اینجا دیگی که برای من نمی‌جوشد... عین مصداق است و همین، زمینه‌ساز سوءاستفاده است.

۷- مثل هر رویداد دیگری، نقدها و ملاحظاتی هم به شیوه حضور ایران در بی‌ینال ونیز متصور است، اما واقعا آنچه این‌روزها در مذمت غرفه کشورمان گفته می‌شود، بیش از یک نقد هنری، یک‌جور فرصت‌طلبی سیاسی است؛ دولت و رویکرد فرهنگی دولت، هدف اصلی است، بنابراین هر چندروز، یک رویداد بهانه است؛ به‌نظرم دست دلواپسان کاملا رو شده و مردم می‌دانند آنچه باید بدانند.

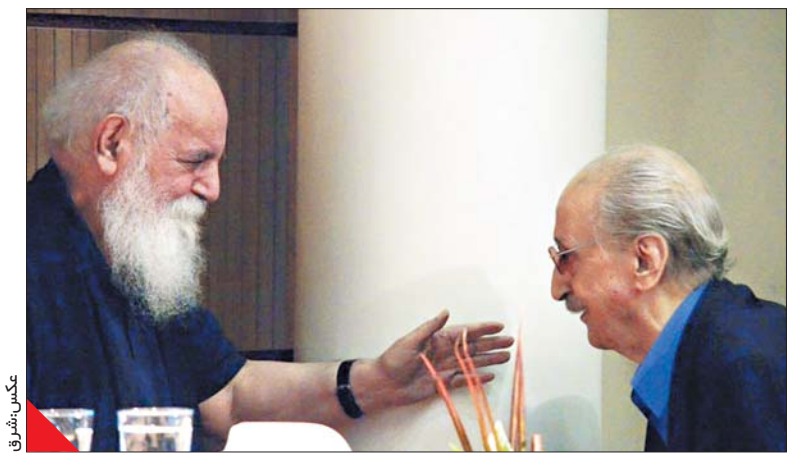

عکس: شرق

عبدالوهاب شهیدی به روایت «سایه»

تصویر یک آرزو

شرق: خاطرات، ردوبدل شدند، اما برای او که در محور این یادآوری‌ها قرار داشت، خیلی هم کار ساده‌ای نبود. محمدرضا شجریان، حسن ناهید و هوشنگ ابتهاج درحالی به احترام مردی گردهم آمدند و از خاطراتشان گفتند که خود «عبدالوهاب شهیدی» گفت: «خاطرات برای من خیلی سنگین هستند و نمی‌توانم بکشم».

دویست‌وسومین شب مجله «بخارا» به «عبدالوهاب شهیدی» اختصاص داشت که عصر یکشنبه، ۲۰ اردیبهشت برگزار شد. «محمدرضا شجریان»، استاد آواز ایران پس از خوشامدگویی علی دهباشی، برگزارکننده شب‌های بخارا گفت: «سلام و درود خدمت یکایک شما عزیزان، خصوصا پیشکسوتم، دوست نازنینم استاد سایه عزیز، اینکه می‌گویم دلیلش این است که در سایه همه‌چیز هست و لازم نیست عنوان دیگری به کار ببرم».

او سپس به خصوصیت‌های عبدالوهاب شهیدی اشاره کرد: «او یک اعتبار، منش انسانی و بزرگوارانه در موسیقی ماست، هرجا که شهیدی بود بالاترین عنوان هنر را داشت چه در جشن‌ها چه در گلها و چه در حضور مردم. من همیشه پشت‌سر این نازنین خودم را پنهان می‌کردم و از او یاد می‌گرفتم رفتار هنری باید چگونه باشد. با سایه عزیز بارها و بارها درباره این بزرگ‌مرد صحبت کردیم و سایه چقدر با عشق و احترام از عبدالوهاب شهیدی یاد می‌کرد. یک احترامی بین ما برقرار بود که کسی متوجه آن نمی‌شد. از وقتی که من در رادیو بودم مخصوصا از زمانی که جناب سایه به آنجا تشریف آوردند و برنامه گلهای تازه و گلچین هفته را تهیه کردند، من همیشه سایه‌به‌سایه در کنار ایشان بودم، چه با گروه استاد بزرگوار فرامرز پایور که حق بزرگی به گردن من دارد و چه در کنار محمدرضا لطفی و گروه شیدا، ارکستر گلها، جناب فخرالدینی و دیگر گروه‌هایی که در رادیو بودیم».

پس از آن نوبت به «هوشنگ ظریف»، نوازنده شناخته‌شده تار رسید تا در مورد شهیدی صحبت کند: «ما هر وقت ضبط و برنامه کنسرت داشتیم، هیچ گرفتاری‌ای نداشتیم. ایشان به‌موقع می‌خواندند و وقفه‌ای نمی‌انداختند. همان‌طور که اطلاع دارید زمانی که با استاد شجریان برنامه داشتیم، آخرسر از ایشان می‌خواستند مرغ سحر را بخوانند و بعد دیگر دو، سه باری هم ما با استاد شهیدی رفتیم اروپا، آمریکا و کانادا و وقتی آنجا کنسرت تمام می‌شد، همه دست می‌زدند و می‌گفتند «زندگی» که مقدمه‌اش را آقای پایور نوشته بودند. این را که شروع می‌کردیم، در سالن دستی می‌زدند غیرقابل‌وصف و استاد شهیدی این تصنیف را می‌خواندند. واقعا هیچ گرفتاری‌ای موقع ضبط و اجرای کنسرت نداشتیم».

او البته نگاهی بر وضعیت موسیقی امروز نیز داشت: «ما برنامه‌هایمان را گذراندیم و ان‌شاءالله جوان‌ها بتوانند آن‌طور که باید و شاید موسیقی ما را حفظ کنند. من این را جاهای دیگر هم عرض کرده‌ام، تار مادر سازهای ایرانی است. خودم هفت، هشت سالم بود که ساز استاد مجد را از رادیو می‌شنیدم؛ عاشق تار شدم. وقتی کلاس پنجم ابتدایی بودم هنرستان از سوی زنده‌یاد روح‌الله خالقی، افتتاح شد و من به هنرستان رفتم. ایشان گفتند چه سازی می‌خواهی بزنی، گفتم تار. گفتند همین‌طوری می‌گی؟ گفتم ساز استاد مجد را شنیده‌ام که گفتند خب برو کلاس موسی‌خان مجد بشین. در دوره لیسانس به کلاس علی‌اکبرخان شهنازی رفتم که ردیف‌ها را بدانم، ولی متأسفانه امروز نوازندگی تار خیلی عوض شده. همان موقع هم که من شاگرد هنرستان بودم قطعات استاد وزیری را می‌زدم ولی امروزه، معذرت می‌خواهم که می‌گویم، حالت نوازندگی تار از بین رفته و جسارتا می‌گویم حالت آکروبات دارد یا عین سیخ‌کردن کباب کوبیده است. آخر این درست نیست. این ساز، مادر سازهای ایرانی است».

در ادامه «حسن ناهید»، نوازنده شناخته‌شده نی به خاطراتش با شهیدی اشاره کرد: «حدود ۵۲ یا ۵۳ سال است که من شاگرد استاد شهیدی هستم. چه در زمینه اخلاق و ادب و چه در زمینه هنر. خود استاد شهیدی هم در زمینه اخلاق و هنر خیلی به مرحوم اسماعیل مهرتاش عقیده داشتند و یکی از خاطرات خوبی که ما با مرحوم مهرتاش داشتیم، این بود که روزی بنده و جناب شهیدی و مرحوم پایور به منزل استاد مهرتاش رفتیم چون قرار بود بزرگداشتی برای ایشان در تالار رودکی برگزار شود. در این مدت جز مهربانی، لطف و محبت از عبدالوهاب شهیدی هیچ چیز ندیدم، برای ایشان و خانواده محترمشان سلامتی، عزت و عمر دراز آرزو می‌کنم».«هوشنگ ابتهاج» (ه.ا.سایه) نیز که معمولا در کمتر مراسمی حاضر می‌شود، شهیدی را تصویری از یک آرزو توصیف کرد: «قبل از اینکه بخت آشنایی با خود شهیدی را داشته باشم با صدایش آشنا بودم و شیفت کارش، مخصوصا آن برنامه معروف داغستانی را. از آن برنامه چندین اجرای مختلف انجام گرفت، به اسم گلهای رنگارنگ ۲۶۴، ۲۶۴ ب، ۲۶۴ ث... با تغییراتی که ایشان دادند. آقای شهیدی همیشه برای من یک تصویری از آرزویی بود که من درباره هنرمند داشتم، با مناعت، بی‌غرض‌ورزی و بی‌حقارت‌هایی که ماها داریم؛ معمولا پشت‌پرده هنر حقارت‌های خودمان را قایم می‌کنیم. آقای شهیدی به من امید دادند که می‌شود واقعا هنر خالص داشت. هنر ناب داشت، انسان بود، فروتن بود، مهربان بود و کار هنری شایسته هم کرد».

این شاعر سپس به عودنوازی شهیدی اشاره کرد: «من دلم می‌خواست اینجا اهل فن اشاره‌ای به نوازندگی آقای شهیدی می‌کردند. برای این عودی که ایشان می‌زدند، تا آنجایی که من شنیدم -شاید صلاحیت کامل نداشته باشم برای این کار- تنها کسی بودند که عود ایرانی می‌زدند. این ساز همیشه خودش را به نوازنده‌ها تحمیل می‌کرد، با لهجه غلیظ عربی. این امر خیلی مهمی در این کار است. آقای شهیدی در کنار آوازشان مهارتی در نوازندگی عود داشتند».

سایه افزود: «شأن شهیدی بیش از این حرف‌هاست. شهیدی همیشه برای من عزیز بوده، همیشه من می‌توانستم به‌عنوان یک هنرمند به او تکیه کنم، به اخلاق هنری، به اخلاق انسانی‌اش و می‌توانست بیش از این سرمشق هنرمندان باشد، اما روزگار مساعدت نکرد. سال‌هایی که هنوز امکان کار هنری درخشان بود، آقای شهیدی برکنار ماند. حیف. همین حالا به خودم فشار آوردم که از ایشان نپرسم: آقای شهیدی هنوز عود می‌زنی؟ با نوای عودت می‌خوانی؟ گمانم، بله، نمی‌شود نخواند. این بلایی را که آقای دهباشی سر من آورد، می‌خواهم سر آقای شهیدی بیاورم و از او بخواهم که اینجا بیاید. مرغ مرده و زنده‌اش صدتومانه. این اصطلاحی است که درست هم هست واقعا. آن صدق و صفایی که در هنر هست به هزار نیروی جوانی هم می‌چربد. بیایید آقای شهیدی».در ادامه با دعوت سایه، عبدالوهاب شهیدی روی سن آمد و با سخنی از ایران خطاب به دوستان قدیمی خود گفت: «به نام ایران. به نام مردم ایران، مردم هنرپرور ایران. به نام استادان، استادان چه در ادبیات و چه در موسیقی که همیشه نامشان را تکرار می‌کنم. خیلی خوشحال شدم که دوست عزیز و گران‌مایه خودم، آقای سایه، را اینجا دیدم. من همیشه به ایشان ارادت داشتم. ایشان کارهایی در گلهای تازه کردند و من هم در برنامه‌های‌شان بودم. او همه آنهایی را که پراکنده شده بودند، جمع و برای آنها حقوق بیشتری تقاضا کرد. محل استراحت خوبی برایشان تهیه کرد و جایگاه ایشان بیش از این حرف‌هاست».شهیدی در مورد شجریان هم عنوان کرد: «آقای شجریان، سال‌ها با هم بودیم. به مسافرت مشهد در حضور آقای سایه به مزار خیام رفتیم. خاطرات خیلی زیاد است و مجال گفتن ندارم. این خاطرات برای من خیلی سنگین هستند، نمی‌توانم بکشم. مرغ پر بشکسته را آواز نیست/ سینه مجروح را آواز نیست... من با شما خداحافظی می‌کنم و دعا می‌کنم که آقای سایه ما را خداوند نگه دارد».

در بخشی دیگر از این مراسم علیرضا فریدون‌پور با اجرای آواز و شهرام میرجلالی با ساز عود به اجرای برنامه پرداختند و در پایان هم پیام فرهاد فخرالدینی، موسیقی‌دان، برای شهیدی قرائت شد: «با تأسف اعلام می‌دارم که به‌علت گرفتاری، شانس حضور در این مراسم را نداشتم. در زمانی که در کشورمان به موسیقی توجه کافی نمی‌شود، این اقدام جناب‌عالی در بزرگداشت یکی از چهره‌های درخشان موسیقی ملی ما شایسته تقدیر و سپاس فراوان است».

طرح: علی رومانی

داستان تعطیلی غرفه‌های نمایشگاه کتاب، به خبر تکراری این‌روزهای حوزه ادبیات تبدیل شده است. بعد از لغو زنجیره‌ای کنسرت‌های موسیقی، حالا انگار نوبت به غرفه‌های کتاب رسیده است که تعطیل شوند.

در تازه‌ترین خبری که دیروز، ۲۱ اردیبهشت در مورد بیست‌وهشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از سوی ایسنا منتشر شد، غرفه انتشارات «صبح فردا»، عرضه‌کننده آثار آیت‌الله محمدرضا نکونام، در نمایشگاه کتاب تهران تعطیل شد. این غرفه، بیستم اردیبهشت، هم‌زمان با پنجمین روز برپایی نمایشگاه، بسته و کتاب‌هایی که در آن عرضه می‌شد، جمع‌آوری شد. گویا پرونده مدیر این انتشارات در دادگاه ویژه روحانیت در این اتفاق دخیل بوده است. در پیگیری علت تعطیلی این غرفه، یکی از مسئولان برپایی نمایشگاه کتاب ضمن تأیید این موضوع توضیح بیشتری درباره علت آن ارائه نداد. همچنین از غرفه‌داران انتشارات «فصل پنجم» خواسته شده است دو مجموعه شعر از جمله «به احترام سی‌وپنج سال گریه‌نکردن»، سروده حامد ابراهیم‌پور، را در نمایشگاه عرضه نکنند. مرجعی که از ناشر این آثار خواسته است تا این کتاب‌ها را عرضه نکند، ارگان یا سازمانی خارج از حوزه مسئولیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

موضوع جمع‌آوری یک کتاب مجوزدار البته مربوط به امروز نیست و در روزهای قبل، دو کتاب از غرفه نشر روزنه، شامل رمان «من و سیمین و مصطفی»، نوشته شیوا ارسطویی و کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» جمع‌آوری شد و با اینکه رئیس کمیته رسیدگی به تخلفات ناشران آن را تأیید کرد، اما دلیل آن عنوان نشد.

این اتفاقات در شرایطی در نمایشگاه کتاب تهران رخ می‌دهد که معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در نشست خبری نمایشگاه عنوان کرده بود: «نمایشگاه کتاب تهران صاحب دارد و هیچ مجموعه‌ای حق دخالت و ورود به این حریم را که مالکش وزارت ارشاد است ندارد، مگر با اجازه».

حسن روحانی، رئیس‌جمهور، نیز در آیین افتتاح نمایشگاه کتاب در مورد اعمال سلیقه در زمینه انتشار کتاب گفته بود: «اصول ما برای نشر، باید کاملا شفاف، روشن و کوتاه باشد، اگر نظارت‌ها سلیقه‌ای شود، آن‌وقت چاپ اول مجاز، چاپ دوم ممنوع و چاپ سوم مستحب می‌شود، چون سلیقه‌ای است. خدا نکند که روزی این‌گونه موضوعات جناحی شود و منافع شخص، گروه و جمع مدنظر قرار گیرد».

درهمین‌حال شنبه نیز خبری مبنی‌بر تعطیلی ۲۹ غرفه نمایشگاه کتاب به‌صورت یک‌روزه منتشر شد. علاوه‌براینکه ۱۹ غرفه هم به‌صورت دائم تعطیل شده‌اند. این ناشران که شامل نشرهای یوحنا (اندیشه مطهر)، هنرهای زیبا (ایده ایام - زانکوه)، هنر اول، همگرا، وزرا، نسیم حیات، نامه پارسی، کاشف، عیوقی- عدن، شکوفه یاس، صالحان، جامعه‌شناسان، چاف، جام جوان، بوستان احمدی، ارگ نواندیش، شرکت تعاونی ناشران کرمان، دانوش و مزینانی هستند، ضمن تعطیلی یک‌روزه حق شرکت در نمایشگاه دور بعد را هم ندارند. به‌جز دو ناشر دانوش و مزینانی که در بخش ناشران دانشگاهی فعالیت می‌کنند، مابقی غرفه‌ها در بخش ناشران عمومی نمایشگاه کتاب تهران، در شبستان مصلا مستقر هستند.

همایون امیرزاده، رئیس هیأت رسیدگی به تخلفات نمایشگاه بیست‌وهشتم، درباره مشکلی که سبب تعطیلی غرفه‌های مختلف شده است، به «شرق» گفت: «غرفه ناشرانی تعطیل شده که تخلفاتی در آن صورت گرفته است. این تخلفات حین نمایشگاه صورت گرفته و در نظارتی که پیش از شروع نمایشگاه وجود داشته، این تخلفات دیده نشده بود. برخی از ناشران درحالی‌که باید فقط کتاب‌های خودشان را ارائه کنند، کتاب ناشران دیگر را به نمایشگاه آورده‌اند که تعرض به حقوق حرفه‌ای نشر است. ما برای صیانت از حقوق ناشران دیگر اقدام به تعطیلی این غرفه‌ها کردیم».

او در مورد جمع‌کردن کتاب‌ها از سطح نمایشگاه افزود: «درباره این کتاب‌ها گزارش‌هایی دریافت کردیم که تصمیم به جمع‌آوری آنها گرفتیم تا به وضعیتشان رسیدگی کنیم».به‌غیراز تعطیلی غرفه‌ها که این روزها به خبر بسیاری از رسانه‌ها بدل شده است، موضوعی که در این دوره مورداهمیت قرار دارد، برگزاری نمایشگاه کتاب امسال از سوی اتحادیه ناشران به‌عنوان یک صنف تخصصی است. ۲۷ دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب از سوی دولت و وزارت ارشاد برگزار می‌شد و حالا با واگذاری این رویداد به اتحادیه ناشران، نوید برپاشدن برنامه‌های تخصصی از سوی یک نهاد خصوصی به‌وجود آمده بود اما با موج تعطیل‌شدن غرفه‌ها آن‌هم از همان روزهای آغازین نمایشگاه، این شائبه پیش آمده که ممکن است کارشکنی‌هایی برای تضعیف موضع اتحادیه ناشران وجود داشته است. محمود آموزگار، رئیس اتحادیه ناشران با تأیید این موضوع به «شرق» گفت: «به‌هرحال کارشکنی‌هایی در سطوح مختلف صورت می‌گیرد که وانمود شود اتحادیه امکان اداره‌کردن نمایشگاه را ندارد. این کارشکنی‌ها هم از سوی برخی دولتی‌هاست و هم از سوی برخی نهادهای خصوصی و به‌طورکلی در برابر اینکه یک نهاد صنفی در حال برگزاری نمایشگاه است، مقاومت صورت می‌گیرد».

عرضه قرآن‌های فاقد مجوز نشر

همچنین یکی دیگر از خبرهای مربوط به نمایشگاه کتاب در روز دوشنبه، عرضه قرآن‌های فاقد مجوز نشر بود. به گزارش مهر، احمد حاجی‌شریف معاون نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم سازمان دارالقرآن، از تخلف ۱۰ ناشر قرآنی در عرضه قرآن‌های فاقد مجوز در نمایشگاه کتاب تهران خبر داد و اعلام کرد برخی از ناشران نیز با یک مجوز چندین‌بار مبادرت به انتشار این قرآن‌ها کرده‌اند. به‌گفته او در سازمان دارالقرآن، ناشرانی مانند دارالخیر القرآن الکریم، پارمیس، امام منتظر (عج)، حلم، مبین اندیشه، نشتا و احیای کتاب نسبت به توزیع این قرآن‌های فاقد مجوز اقدام کرده‌اند.

واکنش به اعتراض گلرویی

در میان خبرهای جمع‌آوری کتاب‌ها و بسته‌شدن غرفه‌ها باید به گردآوری کتاب‌های یغما گلرویی، ترانه‌سرا، نیز اشاره کرد. به گزارش آنا، در پی نامه اعتراض‌آمیز گلرویی که پس از جمع‌آوری یکی از کتاب‌های او با عنوان «من رویایی دارم» از غرفه انتشارات نگاه، به حسن روحانی، رئیس‌جمهور، نوشته بود، سایر کتاب‌هایش نیز از این غرفه جمع‌آوری شدند. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به مجموعه ترانه «تصور کن»، مجموعه شعر «باران برای تو می‌بارد»، ترجمه کتاب «دیوارها سخن می‌گویند» از احمد کایا و سایر ترجمه‌های گلرویی در نشر نگاه اشاره کرد.

چهره روز

رئیس دفتر مقام معظم رهبری:

رهبر انقلاب از نمایشگاه کتاب دیدن می‌کنند

● **شرق:** رئیس‌دفتر مقام‌معظم‌رهبری از بازدید حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای از بیست و هشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران خبر داد. به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمد محمدی‌گلپایگانی امروز (دوشنبه، ۲۱ اردیبهشت) با حضور در نمایشگاه کتاب تهران، پس از بازدید از برخی غرفه‌های ناشران عمومی در شبستان مصلا، گفت: مقام‌معظم‌رهبری حتما به نمایشگاه کتاب می‌آیند و از نمایشگاه دیدن می‌کنند. مقام‌معظم‌رهبری تقریبا هر سال از نمایشگاه کتاب دیدن می‌کنند. چندروز پیش نیز علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، از ارسال نامه رسمی به مقام‌معظم‌رهبری و دعوت برای حضور در نمایشگاه کتاب خبر داد. بیست‌وهشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران تا ۲۸ اردیبهشت در مصلا برپاست.

زیر آسمان فیروزه‌ای

سپانلو در بیمارستان بستری شد

● **شرق:** محمدعلی سپانلو در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد. مهدی اخوت، دوست و هم‌خانه این شاعر و مترجم پیش‌کسوت، در این‌باره به ایسنا گفت: آقای سپانلو از روز سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت در پی ناراحتی ریوی و تنفسی، در بخش آی‌سی‌یو بیمارستانی در تهران بستری شده‌اند. محمدعلی سپانلو متولد ۲۹ آبان‌ماه سال ۱۳۱۹ در تهران است. «رگبارها»، «پیاده‌روها»، «سندباد غایب»، «هجوم»، «نبض وطنم را می‌گیرم»، «خانم‌زمان»، «تبعید در وطن»، «ساعت امید»، «خیابان‌ها، بیابان‌ها»، «فیروزه در غبار»، «پاییز در بزرگراه»، «ژالیزبانا»، «کاشف ازیادرفته‌ها» و «قایق‌سواری در تهران» از مجموعه شعرهای این شاعرند. همچنین ترجمه «آن‌ها به اسب‌ها شلیک می‌کنند»، نوشته هوراس مک‌کوی، «مقلدها»، نوشته گراهام گرین، «شهربندان» و «عادل‌ها»، نوشته آلبر کامو، «کودکی یک رئیس»، نوشته ژان‌پل سارتر، «دهلیز و پلکان»، شعرهای یانیس ریتسوس و «گیوم آپولینر در آیینه آثارش» - شعرها و زندگی‌نامه گیوم آپولینر - از دیگر آثار منتشرشده او هستند.

آخرین وضعیت نورالدین زرین‌کلک در بیمارستان

● **شرق:** ساعد مشکی گفت: «نورالدین زرین‌کلک، که پس از سفرش از آمریکا به تهران دچار بیماری شده بود، در بیمارستان بستری شده است». این طراح و گرافیست در گفت‌وگو با ایسنا توضیح داد: «استاد زرین‌کلک، که برای حضور در مراسم بزرگداشتش و افتتاح نمایشگاه آثار خود در هفته گرافیک ۹۴، از خارج از کشور به ایران سفر کرده بود، به‌دلیل بیماری در بیمارستان ایرانمهر بستری شده است».او ادامه داد: «به احتمال ۹۵ درصد، ویروس‌های داخل هواپیما عامل این بیماری بوده‌اند. پزشکان اعلام کرده‌اند زرین‌کلک تا ۲۴ ساعت باید استراحت مطلق داشته باشد تا وضعیتش مشخص شود».این هنرمند همچنین گفت: «امیدواریم در روزهای آخر این هفته، ایشان را ببینیم. او در این زمان بیشتر از هرچیز به آرامش نیاز دارد و از رسانه‌ها می‌خواهم این موضوع را رعایت کنند». نورالدین زرین‌کلک، نویسنده، تصویرگر کتاب کودک و انیمیشن‌ساز، متولد سال ۱۳۱۶ در مشهد است. از جمله فیلم‌های او می‌توان به «دنیای دیوانه دیوانه دیوانه»، «ابرقدرت‌ها» و «شازده‌کوچولو» و از کتاب‌هایش می‌توان به «کاریکاتور و تصویرسازی برای روزنامه‌ها و مجلات»، «افسانه سیمرغ»، «زال و سیمرغ» و «قصه کرم‌ابریشم» اشاره کرد.

یادداشت روز

وزارت ارشاد پاسخ‌گو باشد

● **خسرو طالب‌زاده، رئیس اسبق اداره کتاب:** اینکه غرفه‌هایی در نمایشگاه امسال تعطیل شده، اگر به‌دلیل بی‌انضباطی آن غرفه‌ها باشد، خیلی هم خوب است. شاید اگر امسال بیشتر شاهد تعطیلی غرفه‌ها هستیم به این دلیل است که در گذشته ضوابط نمایشگاهی خیلی خوب و دقیق اعمال نمی‌شده و این موضوع از جنبه نظم نمایشگاهی اتفاقا خوب هم هست، اما اگر نهادهایی خارج از اختیارات و مسئولیت‌های مدیریت نمایشگاه و وزارت ارشاد دارند بر حضور یا عدم حضور غرفه‌ها اعمال نظر می‌کنند، باید وزارت ارشاد پاسخ‌گو باشد که اجازه می‌دهد چنین دخالت‌هایی صورت گیرد.

علی‌اصغر دادبه*

روز گذشته که به‌واسطه حضور در غرفه دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در نمایشگاه حضور داشتم، شوروهیجان سال‌های پیش را ندیدم. در ضمن آنجا شنیدم که این مسئله مطرح بوده که امسال برگزاری نمایشگاه به اتحادیه ناشران سپرده شده و بدون اینکه تصریح شود، تفسیر می‌شد که این مدیریت فعلی توانایی مدیریت قبلی را ندارد. حتی گفته می‌شد بعضی از ناشران از جمله همین نشر دایره‌المعارف، غرفه بزرگ‌تری می‌خواسته که به او غرفه بزرگ‌تری داده نشده است. در نتیجه آنچه به چشم افراد آمده بود چنین بود، اما اینکه آیا واقعا این مدیریت توانایی آن مدیریت ۲۷ دوره گذشته را دارد یا نه، تأمل بسیاری می‌خواهد. قیاس یک دوره مدیریت با دوره‌های بسیار، اصلا امکان‌پذیر نیست. اینکه پشت مدیریت قبلی چه آدم‌هایی بوده‌اند را نمی‌دانم. این بی‌انصافی است که یک دوره را بخواهیم با چندین دوره بسنجیم. اینکه غرفه‌هایی که اجازه حضور در نمایشگاه را داشتند به یکباره تعطیل شده‌اند هم واقعا ناعادلانه است. اگر آن غرفه‌ها نمی‌بایست در نمایشگاه حضور داشته باشند، که از اول نباید اجازه به آنها داده می‌شد، اما وقتی اجازه داده شده درست نیست که غرفه آنها در حین برگزاری تعطیل شود. البته شاید هم ما اهالی فلسفه و منطق، زیادی منطقی هستیم و برای هرچیز به دنبال یک منطقیم و بااین‌حال، شاید هم منطقی پشت این اتفاقات هست که ما آن را نمی‌دانیم.

*استاد ادبیات و فلسفه دانشگاه علامه

احمد پورنجاتی*

اینکه به‌نوعی کار برگزاری نمایشگاه و فعالیت‌های صنفی فرهنگی و هنری را به خودشان واگذار کنند و برای هویت صنفی هر حرفه‌ای اهمیت قائل شوند، تصمیمی درست و دیرهنگام است.اما اینکه در نمایشگاه امسال احساس می‌شود نتیجه خواسته و ناخواسته این نوع برخوردهای حذفی و تعطیلی غرفه‌ها، در پایان نمایشگاه انتقال‌دهنده این مضمون یا مفهوم به افکار عمومی باشد که بهتر است کماکان دستگاه رسمی دولتی برگزارکننده نمایشگاه باشد تا ناشران از امنیت برخوردار شوند، یا این را القا کند که اگر اداره امور صنفی را به جامعه مدنی واگذار کنیم، توانایی انجام امور به نحو احسن را ندارند و هنوز برای واگذارکردن امور صنوف به خودشان زود است و درواقع خواسته شود که یک نوع پیام عدم بلوغ به جامعه منتقل شود، این مرا یاد تعبیر مرحوم شریعتی می‌اندازد که ایشان بلاتشبیه می‌گفت کشورهای استعمارگر برای اینکه وابستگی مستعمران را حفظ کنند، به شکل ناقصی به آنها اختیارات نیم‌بند می‌دهند تا بعد که آنها خودشان از پس امور برنیامدند، به مستعمره‌شدن تن دهند و درواقع یک نوع تحکیم وابستگی صورت گیرد. برای یافتن چرایی این تعطیلی‌ها، در وهله نخست باید دید خاستگاه این تعطیلی‌ها چه بوده است و در اثر سختگیری‌های بیجاست یا واقعا آن غرفه‌ها بی‌قانونی کرده‌اند؟ تا بتوان فهمید ایده تحکیم وابستگی در مورد نمایشگاه امسال صدق می‌کند یا خیر.

*فعال سیاسی اصلاح‌طلب